

توهین به نیروهای سرکوبگر، یا سرکوب خلقی، کدامیک باید کیفر یابد؟

در ماده يك این قانون "به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران اجازه داده می شود همانند ضابطین قوه قضاییه هنگام برخورد با جرایم مشهود... به منظور جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند". به موجب ماده دیگر "نیروی مقاومت بسیج موظف است نسبت به جذب آحاد مردم از تمامی اقشار و صنوف و ایجاد رده های مقاومت در مساجد، ادارات، کارخانجات و مراکز آموزشی اقدام نماید و کلیه مسئولان این نهادها موظف به همکاری و فراهم نمودن تسهیلات و

ادامه در ص ۲

چندی پیش در مجلس دست نشانده "ولی فقیه"، قانونی با عنوان "طرح حمایت از بسیج" تصویب شد که هدف منحصر به فرد از اجرای آن همانا تشدید باز هم بیشتر خفقان و گسترش دامنه سرکوب های جنایتکارانه چهارده ساله حاکمیت قرون وسطایی است. چنانکه روشن است، طرح و تصویب این "قانون" و تدابیر نامردمی دیگری از این دست، واکنش کینه توزانه متولیان "ولایت" در برابر عصیان گسترش یابنده خلق است که به ویژه پس از شورش های بزرگ مشهد، اراک، شیراز و شهرهای دیگر خشم و هراس حیوانی حاکمان را بیش از پیش برانگیخته است.

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۹۲، دوره هشتم
سال هشتم، ۱۵ دی ۱۳۷۱

سند تازه تکان دهنده از جنایتکاری سران رژیم جمهوری اسلامی



رفیق مسن علوی (بهازاد)، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران قبل از دستگیری



رفیق مسن علوی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بعد از دستگیری و شکنجه

دروغگوی کم حافظه،
سرکوب حقوق بشر
و موضع گیری های خطرناک
در منطقه

هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور حکومت اسلامی، از آنجمله رهبران رژیم است که استعداد کم نظیری در دروغگویی و تحریف حقایق دارد، و از این رو یکی از کارا ترین مهره هایی است که ادامه حیات جمهوری اسلامی، پس از مرگ خمینی، به او وابسته بوده است. تجربه چهارده سال حکومت اسلامی نشان داده است که رهبران طراز اول رژیم، در مجموع، از يك اصل اساسی پیروی می کنند، و آن ادامه این حکومت به هر قیمتی، از جمله دروغگویی، تحریف و جنایت است.

بر اساس این تجربه است که اکثریت مردم و نیروهای سیاسی کشور ما، دریافته اند که سخنان، قول ها و حتی قوانین وضع شده توسط این دولتمردان، کوچکترین اعتباری ندارد، و به همان راحتی که گفته می شود، پس گرفته می شود. از نمونه های جالبی که در هفته های اخیر در مطبوعات مجاز کشور انتشار یافت، بندبازی جدید رئیس جمهور، به هنگام ارائه بودجه سال ۱۳۷۲ بود. وی در پایان سخنرانی خود در مجلس از جمله مدعی شد: "از مسایلی که اخیراً در مورد ایران مطرح شده است مسئله حقوق بشر است، در حالیکه کشور ما از معدود کشورها در منطقه خلیج فارس و

ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، طردباد رژیم "ولایت فقیه"!

دروغگوی کم حافظه، ...

خاورمیانه است که دارای آزادی های دمکراتیک با حکومت مردمی و منتخب و مجلسی انتخاب شده از بین مردم و آزاد و مستقل است. در کشور ما بیشترین آزادی مطبوعات، سخن، قلم و ابراز عقیده وجود دارد... ("کیهان هوایی" - ۲ دی ماه)

به مصداق "دروغگو کم حافظه می شود". هاشمی رفسنجانی فراموش کرده است که در برخوردها و تنش های اخیر که در درون جمهوری اسلامی پیرامون اصل "ولایت فقیه" مطرح گردیده است، وی از جمله کسانی بود که در سخنرانی نماز جمعه ۱۵ آبان ماه مطرح کرد که به دلایل خاصی حکومت ایران (ولایت فقیه) با انتخاب مستقیم مردم بر سر کار نیامده است و ماهیتا یک حکومت اضطراری است. ما در گذشته وسیعاً پیرامون سرکوب آزادی ها و حقوق بشر در ایران نوشته ایم و در این زمینه آنقدر مدارک، شواهد و اسناد در سطح جهان انتشار یافته است که حاجتی به تکرار آن نیست. جمهوری اسلامی از معدود کشورهای جهان است که در طول سال های گذشته، هر ساله از جانب سازمان های حقوق بشر، سازمان ملل متحد و اکثریت مجمع عمومی این سازمان، بخاطر نقض خشن حقوق بشر محکوم گردیده است، امسال نیز از این قاعده مستثنی نیست. رهبران جمهوری اسلامی خود به جنایاتی که مرتکب شده اند، خوب واقفند و از اینرو است که رهبر و "ولی فقیه" رژیم چنین گستاخانه بی توجهی رژیم به منشور حقوق بشر را توجیه می کند: "ما طرفدار حقوق بشریم و حقوق بشر را دنبال خواهیم کرد. کاری هم به گفته فلان کمیسیون سازمان ملل متحد و فلان کمیته بین المللی نداریم. ما خودمان به خاطر دستور اسلام طرفدار حقوق انسان هستیم ..."

("کیهان" - ۲۶ آذرماه ۱۳۷۱)

به عبارت دیگر جمهوری اسلامی مصمم است، اگر بتواند، علی رغم همه اعتراض های جهانی، مانند گذشته به سرکوب آزادی ها، شکنجه و اعدام دگر اندیشان زیر لوای "دستورات اسلام" ادامه دهد. موضع گیری فوق العاده خصمانه رژیم علیه سومین گزارش منتشره از جانب فرستاده ویژه سازمان ملل به ایران نیز در چارچوب چنین سیاستی است. نکته دیگری که در این میان جلب توجه می کند، نگرانی جمهوری اسلامی از تشدید فشارها و لبریز شدن کاسه صبر جامعه بین المللی نسبت به مواضع ضد انسانی رژیم است. سران رژیم خوب می دانند که ادامه حیات اقتصادی رژیم به ادامه دریافت کمک های مالی، اعتبارات، دریافت کالاهای مصرفی از غرب و فروش نفت ایران در بازار جهانی است. از اینرو علی رغم شعارهای توخالی مبارزه با "استکبار جهانی" سران رژیم و از آنجمله هاشمی رفسنجانی خوب می دانند که ادامه حکومت جمهوری اسلامی تا حد قابل توجهی به موفقیت

آنها در عادی سازی و بسط روابط سیاسی - اقتصادی با کشورهای بزرگ غربی دارد.

در کنار این موضع گیری ها، سران رژیم اکنون بشدت نگران اوضاع درخلیج فارس و امکان برخورد های نظامی در منطقه هستند. اتخاذ سیاست های "پرتری طلبی" و سیاست "صدور انقلاب اسلامی" به کشورهای همسایه که در سال های گذشته بصورت پیکر دنبال شده است، تشنج زیادی در منطقه ایجاد کرده است، و از اینرو برخوردهای جدید پیرامون جزایر سه گانه تنب و ابوموسی و تشدید حضور نظامی نیروهای مختلف در منطقه نگرانی های فراوانی پیرامون درگیری های جدید ایجاد کرده است. تهدید های جمهوری اسلامی از یک سو و حضور نظامی آمریکا در منطقه و در کنار شیوخ مرتجع و "شورای امنیت خلیج" از سوی دیگر، پخش اخبار نگران کننده ای از رسانه های گروهی جهان پیرامون استقرار تعداد فراوانی موشک های با برد دور در این مناطق توسط جمهوری اسلامی در کنار موضع گیری های غیر مسئولانه سران رژیم، بار دیگر کابوس هولناک جنگ و درگیری نظامی را بر سر خلق های منطقه گسترده است. هنوز منطقه از عواقب یک دهه جنگ و خونریزی که به قیمت جان صدها هزار انسان، و تخریب بخش عمده ای از توان اقتصادی این کشورها منجر گردیده است، خلاص نشده است که بار دیگر سیاست های ماجراجویانه ارتجاع محلی و امپریالیسم می رود تا فاجعه تازه ای بیافریند.

تجربه های اخیر نشان داده است که در صورتیکه جنبش مترقی و صلح دوست در منطقه فعالانه و متحداً در راه جلوگیری از درگیری و جنگ مبارزه نکند، امکان تکرار فجایعی چون جنگ ایران و عراق و جنگ در خلیج فارس، بسیار زیاد است. باید از گذشته درس گرفت، شعار "جنگ، جنگ، جنگ تا فتح کربلا" قرتی با "ایجاد دریای خون" در خلیج فارس ندارد، نباید گذاشت سران جنایتکار رژیم، بار دیگر، برای منحرف کردن افکار عمومی از بحران فزاینده ای که سراسر جامعه را فرا گرفته، فاجعه جنگ و درگیری نظامی نوینی را بر میهن و مردم بلاکشیده ما تحمیل کنند. آنجا که آزادی و دمکراسی عمل نکند، حکومت های خودکامه و ضد ملی، با زیر پا گذاشتن مصالح ملی و قربانی کردن آن برای حفظ قدرت و حکومت متزلزل خود، در سیاست خارجی، به آسانی، به ماجراجویی دست می زنند که آتش محتمل آن، نه تنها میهن ما، بلکه تمام این منطقه بی نهایت حساس را به کام خود خواهد کشید. تنها با حضور دمکراسی و آزادی در جامعه است که تضمینی مطمئن و متناسب با منافع ملی مردم کشور ما، چه در عرصه سیاست داخلی و چه در عرصه سیاست خارجی، می تواند عمل کند. مبارزه در راه حفظ صلح در منطقه و کشور در ارتباط تنگاتنگی با مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما قرار دارد.



دیپلمات جمهوری اسلامی به عضویت کمیسیون حقوق بشر درآمد!!

"توهین" به نیروهای سرکوبگر، یا سرکوب خلق کدامیک باید کیفر یابد؟

امکانات آموزشی از حضور در کلاس های درس محروم شده اند" این مقام آموزشی همچنین گوشه ای از چگونگی تحصیل آن دانش آموزانی را که با تحمل رنج ها و ددرسرهایی بسیار به مدرسه راه یافته اند نمودار می سازد. ۴۰۰ نفر دانش آموز یک مدرسه استیجاری در یاسوج به دلیل نیاز (؟) صاحبخانه هم اکنون در حیاط این خانه روی زمین درس می خوانند.

"نماینده مجلس" نیز به رغم تهدید بی چون و چرایی که او و امثال او در قبال "موکل" اصلی خود دارند، گاه خود را مجبور می بینند از مردم سخن گوید و حرف مردم را بر زبان آورند. آنچه مردم را بیش از هر چیز رنج می دهد، تبعیض و توزیع ناعادلانه ثروت است. گروهی شکمبار و عیاش خروار خروار ثروت های جامعه را می بلند و با سرمایه های نجومی خود به محرومین فخر می فروشند و هیچ حساب و کتاب برای کنترل و تعقیب درآمد نامشروع آنان وجود ندارد. در نتیجه می بینیم که حاصل یک سال تلاش و رنج شبانه روزی یک خانواده کشاورز روستایی از حق العمل یک روز دلالی یا واسطه گری یا میدان داری کمتر است" (نطق قبل از دستور یک نماینده).

در چنین شرایطی است که نظام خودکامه "ولایت فقیه" هرگونه تظاهر و نشانه های ناراضیاتی ها و بیزاری ها را، با انگ "جرائم مشهود" محکوم می کند و آن را با این زردانی و شکنجه و تیرباران پاسخ می گوید. ولی مگر زندان ها می توانند همه مردم حق جوی ایران را در خود جای دهند؟ کار زندان های "ولایت فقیه" آن چنان به وخامت و رسوایی گراییده که حتی شخصی چون "اسداله لاجوردی"، این پیشکسوت منفور دژخیمان "ولایت" که امروز پیشه پلید "ریاست سازمان زندان ها" را پدید می کشد، به سخن درآمده است. ("ایران تایمز" ۷۱/۱۰) "در حال حاضر ۶۰ درصد از زندانیان پلاکتلیف هستند (یعنی معلوم نیست به کدام جرمی به زندان افکنده شده اند)، برخی از زندان ها به گونه ای است که کوچکترین حرکت سالم برای زندانیان میسر نیست (یعنی زندانیان جایی برای تکان خوردن ندارند)، در برخی از این زندان ها زندانی برای خواب از حمام و سرویس های بهداشتی استفاده می کند (یعنی زندانی توی مستراح می خوابد)" بگذریم...

در این "قانون" همچنین آمده است: "هرگونه توهین یا ضرب و شتم و یا جرح به افراد موضوع این قانون در حین انجام وظیفه محوله در حکم توهین و مقابله با ضابطین دادگستری و مأمورین دولتی و انتظامی بوده، با مرتکبین برابر مقررات کیفری مربوطه رفتار می شود" اما واقعیت درست برعکس آن چیزی است که در این قانون، بنا بر اصل وارونه سازی، بازتاب یافته و القا می شود، در حقیقت "توهین و ضرب و شتم و جرح" و بالاتر از آن قتل های جنایتکارانه و سریه نیست کردن افراد بیشمار از مردم ایران دقیقاً کار روزانه و شبانه همان "افراد موضوع این قانون" و سایر نیروهای نهان و آشکار سرکوبگر است، و نه برعکس!

از نمایندگان دست نشانده "ولایت مطلقه فقیه" حقا نمی توان انتظار داشت که در راستای حمایت از حقوق و منافع اساسی مردم گامی بردارند. این یک واقعیت است. اما واقعیت دیگر آن است که هرگاه، به فرض، یک مجلس ملی منتخب مردم و متکی به آن وجود داشت و قرار بود در خصوص برخورد مأموران دولتی و انتظامی با مردم مقرراتی را تصویب کند، در سرولوحه آن مقررات، چنین می نوشت: "هرگونه توهین یا ضرب و شتم یا جرح از جانب مأموران دولتی و انتظامی به افراد مردم ایران در حکم توهین و مقابله با ملت است که باید کیفر داده شود".

"سید علی خامنه ای" به سر برد روی دیگر سکه "جرم مشهود" همانا حق طلبی توده هاست. و آن پدیده ای است که عمدتاً در محیطی لبریز از ستم و گرسنگی و انواع محرومیت ها جوانه می زند و در برخورد با واکنش های دد مناشانه حاکمیت استبدادی پرورده می شود. پدیده ای است که در آغاز در زمره های ناراضی و خشم توده ها و بیزاری آن ها از برخورد نامردمی حاکمیت جلوه گرمی شود تا جایی که کار را به برانداختن اساس همان حاکمیت می کشاند. چنین "جرمی" ۱۴ سال قبل با ندای "الله اکبر"، "خمینی رهبر" در کوچه ها و بام های شهر و روستا طنین افکن شد، رژیم "طاغوت" را به لرزه در آورد و سرانجام پایه های سریر سلطنت را ریخته کن کرد. همان "جرم مشهود"، امروز پس از ۱۴ سال، با همان گیرایی و همان سنت و سابقه تاریخی، با شعار "مرگ بر ولایت فقیه" و با فریاد های پرخاشگر "ما نان می خواهیم"، "ما آزادی می خواهیم" می رود که نظام پوسیده استبدادی-ارجاعی "ولایت مطلقه فقیه" را از پاشنه در آورد و راه را برای تداوم زندگی باز و هموار سازد.

برای مقابله با چنین "جرائم مشهود"ی است که کارزار صلیبی- "اسلامی" حاکمان "ولایت" با دامنه ای فزاینده به راه می افتد. اینک، برای آن که زمینه های عینی این "جرائم مشهود" که در تار و پود جامعه فقیه زده ما تنیده می شود، بهتر نمایان گردد، به نقل نمونه هایی از وضع زندگی و گذران توده های محروم تر از همیشه می پردازیم.

روزنامه "سلام" سخنان یکی از خوانندگان خود را چنین نقل می کند: "... آخر این چه وضعی است درست کرده اند. این وضع گرانی است، آن هم وضع فساد. آخر چه قدر باید خون دل بخوریم که ماشین های چندین میلیونی جلومان رژه می روند، بعد برای یک کیلو گوشت از سرشب بایستیم شاید صبح فردایش چیزی گیرمان بیاید. آیا واقعا این اسلامی است؟ چرا آقای رئیس جمهور را به مناظره دعوت نمی کنید؟"

دیگری می گوید: "از تمام حقوق سه هزار تومان مانده بود، سه کیلو گوشت خریدم و مقداری خرت و پرت... به خدا قسم چیزی برایم نمانده، تا آخر ماه باید بنشینم و دهانم را زیر آسمان بگیرم". از روستای "ورمکان" از توابع "کامیاران" سنجندج چنین پیامی می رسد: "روستای ما روستایی به غایت محروم است. تقریباً بعد از انقلاب هیچ کاری برای ما انجام نداده اند. نه برق داریم، نه جاده داریم و نه حمام داریم. برای لوله کشی آب از هر خانواده چهار هزار تومان گرفتند ولی باز هم خبری نشد".

چنانکه روشن است، این ها و نظایر این نمونه ها همه آن سخنانی را که توده ها در کوچه و خیابان، در شهر و روستا و در صف های بی پایان، آشکارا بر زبان می رانند بازتاب نمی دهد، به ویژه آن که روزنامه های مجاز که محکوم به "خود سانسوری" هستند نمی توانند همه آنچه را که می بینند و می شنوند بنویسند.

روزنامه دیگری سخنان یک مقام آموزشی کشور را چنین نقل می کند: "حدود ۱۲ هزار کودک واجب التعلیم به دلیل فقر حاکم بر این نواحی (کهکیلویه و بویر احمد) و نیز نبود مدرسه در سال تحصیلی جاری از درس خواندن محرومند... هزاران کودک و توجوان در ایران ققط صدای زنگ مدارس را از دور شنیدند. این کودکان کسانی بودند که به دلیل فقر یا کمبود

امکانات لازم موضوع این قانون می باشند". چنانکه می دانیم چنین اردوکنشی بی لگام و پردامنه ای که "آحاد مردم از تمامی اقشار و صنوف" را در برگیرد و برای اجرای آن همه "مساجد، ادارات، کارخانجات و مراکز آموزشی... موظف به همکاری و فراهم نمودن تسهیلات و امکانات لازم باشند" جز برای مقابله انتقامجویانه با خلق گرسنه و محروم و ستمدیده نیست. طی این دوران چهارده ساله مرکز دیده و شنیده نشده است که این حاکمیت خودکامه در عرصه های اساسی زندگی اجتماعی- اقتصادی به چنین اردوکنشی هایی دست یازد، و یا در مورد مسایل حیاتی و کلیدی چون حفظ محیط زیست، ریشه کن کردن بیسوادی، تعمیم بهداشت و درمان، مبارزه با فساد فراگیر، نجات منابع عظیم ثروت ملی از نابودی قطعی و نظایر آن ها، طرحی بیفکند و تدابیر فراگیر همه جانبه ای ارائه کند...

زیر قانون "طرح حمایت از بسیج" در همان ماده اول آن، در پوشش عبارت "جرائم مشهود" موضوعی نهفته است. هرگاه آنگونه که "قانونگذار" مایل است "جرائم" را به دو گروه- "نامشهود" و "مشهود"- تقسیم کنیم، به سادگی این نتیجه به دست می آید که گروه نخست- "جرائم نامشهود"- آن جرایمی هستند که در اختفای کامل روی می دهند و بیش از هر زمان و مکان دیگر، در جوی آکنده از جهل و خودخواهی، و در ظل توجهات یک حکومت استبدادی- ارجاعی امکان رشد می یابند. از اینگونه اند: مردم فریبی، دورویی، دروغ های هرچه بزرگتر، فاسدپوری، دزدی، رشوه خواری، خیانت، اشاعه خرافات و موهومات و... در مورد چنین جرایمی، به حکم آن که "چاقو دسته خود را نمی برد" هیچ یک از متولیان "ولایت" حتی در اندیشه مقابله نیستند. گروه دوم- "جرائم مشهود"- آن جرایمی هستند که اساساً در بطن "جرائم نامشهود" جوانه می زند و رشد می کنند و در واقع "آلتی تر" آن به شمار می روند. در قلمرو "ولایت فقیه" مقابله با این گونه "جرائم" از اهم ملزومات کشور داری و دیوانسالاری است و بنابرین وظیفه اساسی نیروهای سرکوبگر، و در حقیقت علت وجودی این نیروها، به حساب می آید.

"جرائم مشهود" در شرایط اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی کشور ما، بطور عمده، به دو صورت پدیدار می گردند: "بی حجابی" و "بدحجابی" در یک سوی، و حق طلبی توده ها در سوی دیگر، که این دو در واقع دوروی یک سکه اند.

"جرم مشهود" "بی حجابی و بدحجابی" اساساً از نادانی و خودکامی و تمصب و تنگ نظری ذاتی متولیان "ولایت" سرچشمه می گیرد. چرا که آنان دوام حاکمیت خودکامه خود را، قبل از هر چیز، در ترساندن و آزدن و سرکوب بی وقفه مردم می دانند. در عین حال، چنین "جرم مشهود"ی از روحیه وارسته و آزدپخواهانه زنان ایرانی منشا می یابد که قطعا نمی خواهند، به گونه ای که حاکمان متظاهر به "دینداری" و "تقوا" طلب می کنند، خود را مایه ریشخند جهانیان سازند. زن ایرانی که منزلت انسانی و نجابت و اصالت را مرتبط با نوع و رنگ و فرم لباس خود نمی داند، می خواهد به رغم حاکمان خودکامه، سرافراز و شاد و سالم و رها از قید بردگی زندگی کند و فارغ از تعصبات جاهلانه و ریاکارانه خودکامگانی از قماش

وزارت اطلاعات و توطئه های نوین برای ایرانیان خارج از کشور

فلاحیان، وزیر اطلاعات رژیم در سخنانی که اخیراً در جمع خبرنگاران داخلی در مشهد ایراد کرد از جمله گفت: "در راستای رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی غرب علیه انقلاب اسلامی وزارت اطلاعات نسبت به شناسایی عناصر این توطئه جدید دشمن در سطح بین المللی اقدام خواهد کرد... وی برخورد با "عناصر طرفدار خط مشی مسلحانه و ناراضی ترارش در جامعه" را جزو برنامه های اساسی این وزارت خانه اعلام کرد. سخنان تهدید آمیز وزیر اطلاعات رژیم بار دیگر زنگ خطری است برای همه نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور. نباید فراموش کرد که در پی سخنان تهدید آمیز همین فرد در ماه های گذشته بود که دکتر شرفکندی، رهبر حزب دمکرات کردستان ایران و گروهی از رهبران این حزب در خارج از کشور ترور شدند. نیروهای امنیتی رژیم در سال های گذشته بارها به اقدامات تروریستی علیه ایرانیان خارج از کشور دست زده اند و تشتت و تفرق نیروهای اپوزیسیون به تروریسم حکومتی جمهوری اسلامی امکان می دهد که این شکارچیان انسان و مزدوران رژیم بتوانند فاجعه آفرینی کرده و حکومت ترور و اختناق حاکم در کشور را به خارج از کشور نیز صادر کنند.

روز شوخی پیرامون حقوق زنان

رژیم جمهوری اسلامی، مانند رژیم گذشته، هرساله برای جلوگیری از برگزاری روز جهانی زن که در سرتاسر جهان جشن گرفته می شود، روز ۶ دی ماه را روز زن اعلام کرده است. اعلام روز زن آنهم توسط رژیمی که سران آن به وحشیانه ترین شکل ممکن حقوق زنان کشور ما را سرکوب کرده اند، چیزی جز یک شوخی مضمئزه کننده نمی تواند باشد. روز زن در جمهوری اسلامی فرصت مناسبی است تا حضرات از "ولی ققیه" گرفته تا ائمه جمعه هرکس نصیحتی به زنان کشور ما بکنند و به آنان یادآور شود که چقدر "خوشبخت" هستند که نمی توانند! آزادانه تحصیل کنند، کار کنند، آنطور که می خواهند لباس بپوشند، بدون اجازه کسی ازدواج کنند، استقلال اقتصادی داشته باشند و در مجموع از حقوق برابر با مردان بهره مند باشند. در جمهوری اسلامی و از دید بیمار گونه سران این رژیم زنان کشور ما تنها وسیله ای برای ارضاء میل و خواست مردان هستند و از این روتنها می پایستی با مسایلی چون "بچه داری"، "نگهداری شوهر" و "خانه داری" خود را مشغول کنند. سخنان سران رژیم در این روز به وضوح چنین پنداری را بیان می کند، برای توجه



خوانندگان بخش هایی از "شاه بیت" های این سخنان سخیف و ابلهانه حضرات را در اینجا درج می کنیم.

"در گذشته تاریخ هم به زن ظلم شده است اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه گیر مخصوص دوران اخیر است و ناشی از تمدن غرب است که اسمش را گذاشته اند آزادی! ... " (ولی ققیه، "کیهان" ۲۶ آذرماه)

"در این تباهی که به ظاهر زن آزاد شده بود، فارغ از وظایفی چون خانه داری و بچه داری و وظیفه عمده ای که باید خانه را به محیطی پر نشاط تبدیل کند، از مرد تقلید کرد، مثل او لباس پوشید، مثل او اصلاح کرد و مثل مرد غربی شب زنده دار شده و نهایتاً به میخانه راه یافت... سید محمد اصفری نماینده "ولی ققیه" و سرپرست موسسه "کیهان"

آرامگاه ابوعلی سینا و حقوق زنان

در راستای برنامه های "هفته زن" در جمهوری اسلامی و از جمله "اقدامات مهم" در زمینه احقاق و بسط حقوق زنان در خیرها آمده بود که: "در همدان آرامگاه ابوعلی سینا به عنوان محل برپایی نمایشگاه و فروشگاه هنرهای دستی بانوان و شرکت های تولیدی لباس های زنانه در هفته زن انتخاب شده است... روزنامه "سلام" که این خبر را منتشر کرده است در پایان گزارش خود می نویسد: "نکته قابل تامل اینجاست که مگر می شود یک محیط روحانی و قابل احترام که ناخود آگاه هر تازه واردی را ملزم به ذکر فاتحه می نماید، به محل فروش البسه زنان تبدیل شود. بهر تقدیر باور کردن این موضوع بسیار ثقیل و دشوار است... " (سلام" ۱۹ آذرماه). آنچه که خبرگزار روزنامه "سلام" درک نکرده است آن است که اتفاقاً آرامگاه ابوعلی سینا به علت "محیط روحانی و قابل احترام" آن محل مناسبی است که شرکت کنندگان در "هفته زن" جمهوری اسلامی فاتحه ای برای حقوق زن در

کشور ما ذکر کنند.

گرانی کاغذ

و

بسته شدن مجلات و روزنامه ها

کمبود و گرانی کاغذ در ایران، یکی از مشکلات عمده مجلات و روزنامه هایی است که بدون وابستگی به رژیم تلاش در ادامه کار مطبوعاتی خود دارند. دبیر تحریریه مجله آدینه در شماره آبان ماه این مجله می نویسد: "هربار که بحران کاغذ سر بر می کشد، نگرانی در جان و قلم و ذهن خانه می کند... دست و دل آدمی را سرد می کند بنویسم که چه؟ وقتی کاغذ نیست چه فایده دارد گل دادن باغ اندیشه ای که قرار نیست هیچ کس از آن باخبر بشود. مدیر مجله نگران چشم می دوزد به دیوار مقابل و خیره می شود به نقطه ای سیاه و فکر می کند به نرخ ارز، به بحران اقتصادی، به قیمت کاغذ که در یک شب دو برابر می شود، به تاخیر در چاپ و انتشار مجله، به بودجه ای که می توانستند و می توانند برای کاغذ در نظر بگیرند... راستی شما می دانید کالاهای فرهنگی را با کدام ارز محاسبه می کنند؟ "سلام" نوشته بود که ممکن است چند روزنامه بزرگ تعطیل شود (راستی ما چند روزنامه بزرگ داریم؟) ..."

"کیهان هوایی" و سالروز ۲۱ آذر، روز قیام ملی مردم آذربایجان

کیهان هوایی در شماره ۲ دی ماه خود بشدت به دولت آذربایجان در برگزاری سالروز ۲۱ آذر، روز قیام ملی مردم آذربایجان حمله کرد. در خبر کیهان هوایی می خوانیم: "جبهه خلق جمهوری آذربایجان، حزب حاکم بر این کشور، با حمایت و پشتیبانی از کمونیست های وابسته به فرقه دمکرات آذربایجان و حزب توده، تمایل خود به افکار کمونیستی و نیز مداخله در امور ایران را علناً ابراز کرد... اعضای باقیمانده و طرفدار فرقه دمکرات آذربایجان به مناسبت روز فرار اعضای فرقه به شوروی سابق... در موسسه نصیرالدین طوسی باکو، مراسمی برگزار کردند... هم صدایی کیهان هوایی با کیهان لندن (ارگان سلطنت طلبان) در تایید سرکوب خونین خلق آذربایجان توسط ارتجاع محلی و عوامل امپریالیسم و اعتراض به بزرگداشت این قیام مردمی، خود گویاترین گواه این نظر است که ارتجاع در هر لباسی، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، دشمنی دیرینه و آشتی ناپذیری با حقوق خلق های ستمدیده کشور ما دارد.

فلسطین

بر اساس گزارش های منابع رسمی مصر، شیمون پرز، وزیر امور خارجه دولت اسرائیل در مسافرت چهار روزه اخیرش به توکیو اعلام داشته است که در صورتیکه مردم فلسطین در مناطق اشغالی به یاسر عرفات، به عنوان رهبر خود رای بدهند، وی آماده است که با وی ملاقات و مذاکره کند.

مقامات رسمی مصر ضمن استقبال از این خبر اظهار کردند که: "خواست های مردم فلسطین جدا از آنچه سازمان آزادیبخش فلسطین، تنها نماینده مشروع آن، عنوان می کند نیست و از این رو طرح چنین موضوعی از سوی وزیر امور خارجه اسرائیل می تواند روند حل مسئله فلسطین را تسریع کند." اظهارات شیمون پرز، عکس العمل های متفاوتی را در محافل وابسته به جنبش مردم فلسطین برانگیخته است. از جمله می توان به اظهارات محمد صبیح، نماینده و سخنگوی "مجلس میهنی فلسطین" اشاره کرد که گفته است: "سازمان آزادیبخش فلسطین از برگزاری انتخابات در سرزمین های اشغالی استقبال می کند و اطمینان راسخ دارد که برنده اصلی در این انتخابات یاسر عرفات خواهد بود." به گفته او: "وضع گیری پرز در این زمینه گام نونوی است که از سوی دولت اسرائیل در راستای حل مسئله فلسطین برداشته می شود." این راه به نظر او بهترین و کوتاه ترین راه حل اختلافات طرفین است.

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در قاهره اعلام کرد که توانسته است از طریق گروه "اخوان المسلمین" با سازمان "حماس" تماس برقرار کرده و از آنان درخواست کند که از قتل و ترور فلسطینی هایی که حاضر به تبعیت از آنها نیستند خودداری کنند. وی اظهار داشت که در حمایت و تحریک چنین سیاستی، دولت ایران نقش اساسی دارد. وی همچنین اضافه کرد که ایران برای نفوذ در جنبش فلسطین و قتل نیروهای فلسطینی که زیر بار سیاست حزب الهی ها در فلسطین نمی روند، تاکنون ۳۰ میلیون دلار اسلحه و پول به حماس کمک کرده است.

اسرائیل

به دنبال کشته شدن یک نظامی اسرائیلی توسط سازمان حماس (جنبش مقاومت اسلامی) دولت اسرائیل اقدام به دستگیری ۱۱۲۳ فلسطینی به جرم "عضویت" یا "هوداری" از "حماس" کرد. بر اساس تصمیم دولت اسرائیل و تصویب دادگاه عالی این کشور، ۶۱۵ فلسطینی مسلمان، از نواحی مختلف فلسطین اشغالی، اخراج و به لبنان تبعید شدند. این اخراج گروهی که در نقض آشکار مواد منشور سازمان ملل متحد و کنوانسیون ژنو می باشد، به شدت از سوی کشور های جهان محکوم گردید. سام شریف مشاور یاسر عرفات با اشاره به قتل گروهبان اسرائیلی گفت: "ما قبلاً هشدار داده



بودیم که چنانچه روند صلح پیش نرود، رویدادهای خشن و خونینی، که بیشتر ناشی از محرومیت مردم فلسطین و سیاست "مشت آهنین" دولت اسرائیل است، به وقوع خواهد پیوست. او در این سخنان تصریح کرد که سازمان آزادی بخش فلسطین، خواهان پایان دادن به هرگونه اعمال خشن و قهر آمیز در خاورمیانه است.

لهستان

معدنچیان ۷۰ معدن ذغال سنگ، که اکثر معدن ذغال سنگ این کشور به استثنای ۶ معدن را شامل می شود، در اعتراض به سیاست های دولت دست از کار کشیده و بدین ترتیب صنایع فولاد و انرژی این کشور را دچار تعطیل کرده اند.

این اعتصاب به دنبال شکست مذاکرات اتحادیه معدنچیان لهستان با دولت این کشور آغاز گردید. معدنچیان سیاست اعلام شده دولت را، مبنی بر ثابت نگهداشتن حقوق شان در حالیکه نرخ تورم به سرعت افزایش می یابد، غیر قابل قبول اعلام کردند. موضوع دیگر اعتراض معدنچیان، اعلام سیاست جدید دولت پیرامون تجدید ساختار صنایع کشور است که به بیکاری بیش از ۵۰٪ از معدنچیان این کشور منجر خواهد شد. کارگران راه آهن لهستان نیز، در اعتراض به سیاست های دولت، در اعتصاب بسر می برند و این اعتصاب عملاً کار رساندن ذغال سنگ به کارخانه های این کشور را کاملاً فلج کرده است. دولت لهستان در مقابله با این اعتصابات اعلام کرده است که برای درهم شکستن اعتصاب قصد وارد کردن ذغال سنگ از خارج را دارد. ولی این تهدید دولت با توجه به اعتصاب یکپارچه کارگران راه آهن منطقه سیلسیا، عملی ساختن این تهدید دولت لهستان را غیر ممکن ساخته است. کارگران صنایع فولاد این کشور که نیز مانند معدنچیان قربانیان سیاست های دولت لهستان می باشند نیز اخیراً تهدید کرده اند که به اعتصاب معدنچیان و کارگران راه آهن خواهند پیوست. علی رغم گسترش موج ناراضیاتی کارگران و آمادگی بخش های وسیعی از جنبش کارگری به رویارویی مستقیم با دولت، اتحادیه

همبستگی با طرح این موضوع که چنین رویارویی به سقوط دولت لهستان منجر خواهد شد، از فراخواندن یک اعتصاب عمومی سرپاز زده است.

روسیه

اجلاس سران کشورهای "مستقل مشترک المنافع" که قرار بود در آغاز دی ماه سال جاری در شهر مینسک، پایتخت بلاروسی انجام گیرد، رسماً به تعویق افتاد. سخنگویان دولت روسیه مدعی شدند که این تأخیر به علت "سرمخوردگی یلتسن" و "بیماری نظریایف"، رئیس جمهور قزاقستان بوده است. ادعایی که از جانب نظریایف به شدت تکذیب شد. محافل مطلع با اشاره به ملاقات های فشرده یلتسن با نخست وزیر و رهبران روسیه در هفته های اخیر، علت اصلی این تأخیر را بحران عمیق کنونی در دولت روسیه می دانند.

این ناظران معتقدند که تصمیم های اخیر "کنگره خلق" در مخالفت با دولت و سیاست های یلتسن، رد پیشنهادهای وی پیرامون پذیرش نخست وزیری گایدرو و رد برنامه "اصلاحات"، برنامه یلتسن و طرفداران او را برای تسریع "اصلاحات" در جهت سرمایه داری در روسیه با مشکل روبرو کرده است. در همین رابطه قطع ناگهانی و بازگشت سریع وی از چین به مسکو به دلیل انتخاب اعضای کابینه جدید توسط نخست وزیر جدید روسیه بوده است. نخست وزیر جدید روسیه پس از انتخاب در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد "بازار به تنهایی درمان (مشکلات) نیست." به عقیده وی "بسیاری از کشورها برای مدت های طولانی در شرایط اقتصاد بازار زندگی کرده اند ولی نتوانسته اند مشکلات اجتماعی شان را حل کنند..." هدف یلتسن و طرفداران او فشار بر روی نخست وزیر جدید برای حفظ ترکیب اصلی کابینه دولت گایدرو است. تاکنون وزیر تجارت خارجی، پیوتر اون، و خاتم الپامفیووا که تنها زن کابینه گایدرو و از مخالفان سرسخت "کنگره خلق" بود از مقام های خود استعفا کرده اند.

روزنامه اتحادیه های کارگری "ترود" (کار)، در شماره دی ماه خود اعلام کرد که تعداد بیکاران در روسیه بسیار بالاتر از آمار اعلام شده توسط دولت، یعنی ۵۱۸,۰۰۰ نفر می باشد. به گزارش این روزنامه آمار دولتی تنها شامل کسانی است که از مزایای بیکاری بهرمنند هستند، در حالیکه تعداد زیادی از بیکاران از این مزایای بی نصیب هستند و از این رو در آمار بیکاران گنجانده نشده اند.

در این رابطه، کنفدراسیون عمومی اتحادیه های کارگری روسیه مدتی قبل اعلام کرده بود که تعداد بیکاران پنهان در جامعه بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر است. این رقم شامل افرادی که کارهای نیمه وقت یا موقت دارند و یا به اجبار در استراحت و تعطیلات به سر می برند را نیز می شود.

اعتراض کارگران به ورود بی رویه کالاهای خارجی

کالاهای خارجی، که در کارخانجات تولیدی کشور تولید می شود هستیم تا از تعطیلی واحدهای تولیدی و دلسردی تولیدکنندگان داخلی و بیکاری اقشار مستضعف جامعه جلوگیری شود....»

اما، قربانیان سیاست «درهای باز» رژیم را تنها کارگران بیکار شده تشکیل نمی دهند، و کارگران شاغل نیز از این ورود بی رویه کالاهای خارجی «بهره» کافی برده اند. به عنوان شاهد، دانشور، نماینده کارگران در شورای عالی کار، در جلسه هفتگی کانون هم‌انگهی شوراهای اسلامی جاده مخصوص کرج، با اشاره به تورم سرسام آور و ناچیز بودن حقوق کارگران می گوید:

«با وجود چنین وضعی اداره زندگی برای کارگران بسیار مشکل است و از سوی دیگر با توجه به بالا بودن قیمت ارز و واردات بی رویه کالاهای خارجی، بعضی کارخانجات در پرداخت حقوق هایی که بتوان با آن ها یک زندگی سطح پایین را اداره کرد نیز ناتوان هستند.»

آنچه که آقای دانشور «ناتوانی کارخانجات» در تامین زندگی کارگران می نامد، نتیجه طبیعی سیاست های ضد مردمی رژیم است که پس از پشت کردن به انقلاب مردم زحمتکش ایران، برای حفظ خود «خواه ناخواه» کاسه دردیوزگی به سوی سرمایه داران، بین المللی دراز کرده است.

کفش کتانی این کارخانه، «خواه ناخواه به بیکاری قریب به ۷۰۰ نفر از پرسنل شرکت منجر خواهد شد.»

این بیکار شدن «خواه ناخواه» کارگران بر اثر کاهش سطح تولید، در صنایع نساجی کشور نیز به وضوح مشاهده می شود. از جمله، در گردهمایی شوراهای اسلامی کار استان تهران که در روز ۶ مهر سال جاری در ساختمان وزارت کار برگزار شد، آقای طارمی، عضو شورای اسلامی کارخانه چیت ممتاز، طی یک سخنرانی اعلام کرد که «ورود بی رویه کالا بخصوص کالاهای پارچه ای، تولید کارخانجات نساجی را با مشکل روبرو کرده است.» وی افزود که از زمان انقلاب تاکنون، «دستگاه های نساجی... بدون خرید یک قطعه از خارج از کشور» به کار مشغول بوده اند. این درحالی است که سردمداران رژیم روزی را بدون ادعای افزایش تولید داخلی و بالا رفتن سهم تولیدات غیرنفتی در صادرات کشور به شب نمی رسانند.

به گزارش نشریه «کار و کارگر» (۲۴ مهر ۱۳۷۱)، کارگران کارخانجات «بافت آزادی» در اعتراض به سیاست های اقتصادی دولت «یک نامه ۵ خطی که ۱۰ صفحه امضاء زیر آن» بود برای رفسنجانی فرستاده اند. در نامه این کارگران آمده است:

«... ما کارکنان کارخانجات بافت آزادی از جنابعالی خواهان جلوگیری از واردات بی رویه

سیاست اقتصادی درهای باز، که به پیروی از دستورهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول اینک به طور فزاینده ای از سوی سردمداران رژیم دنبال می شود، تولیدات داخلی کشور را به مخاطره جدی انداخته و کارگران و زحمتکشان میهن را با موج تازه ای از گسترش بیکاری روبرو ساخته است. این سیاست، نه فقط کارگران، بلکه کارفرمایان صنایع داخلی را نیز به اعتراض کشانده است.

صادق بهبودی، مدیرعامل کارخانجات لاستیک و کفش جم، در همراه گذشته با اشاره به افزایش بی رویه واردات انواع کفش خارجی گفت: «این مسئله وضعیتی را به وجود آورده که هم اکنون خط تولید چکمه این کارخانه تعطیل و خط تولید کفش کتانی در آستانه تعطیلی قرار دارد.» او در توضیح این وضعیت گفت: «از حدود یکسال قبل، ورود بی رویه انواع کفش های خارجی بخصوص کفش های کتانی از یک سو، و افزایش نرخ ارز از سوی دیگر، نه تنها امکان رقابت را از این شرکت سلب نموده، بلکه ادامه فعالیت عادی را نیز برای این شرکت ناممکن کرده است.» وی در پایان یادآور شد که «روند کنونی، تنها باعث به هدر رفتن سرمایه کشور و تعطیل واحدهای تولیدی داخل و به بیکاری عده بیشماری از پرسنل این واحدها می انجامد.» به گفته بهبودی، توقف خط تولید

اخبار زحمتکشان

"آیا حکومت دیگری در حکومت اسلامی تاسیس شده است و ملت خبر ندارند"

کارگران کارخانه "حلب سازی پالایشگاه کرمانشاه" در نامه ای با بیش از ۱۰۰ امضا خطاب به "رئیس مجلس شورای اسلامی" نوشته اند، احتراماً رنجنامه عده ای از کارگران زجرکشیده که همواره در تاریخ محروم بوده اند و متأسفانه در حکومت اسلامی ایران... در محرومیت به سر می برند و مورد بی مهری مسئولین. مگر این مصوبه قانون کار که (در کارهای سخت و زیان آور ساعات کار بنیابستی از ۶ ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته تجاوز نماید) تصویب شده حکومت اسلامی نیست؟ ما می خواهیم بدانیم که وزارت نفت از چه قانونی تبعیت می کند. آیا حکومت دیگری در حکومت اسلامی تاسیس شده است و ملت خبر ندارند. آیا سزاوار است ظلم به قشری که پیامبر اسلام بر دستان پینه بسته آنان بوسه زد و همواره نیز براین بوسه افتخار داشت. آیا ما چیزی جز حق قانونی خود طلب می کنیم. ما می گوئیم آنچه که قانون برای ما به تصویب رسانده است، به ما بدهید... می گویند نه اینجا تصمیم گیرنده هیئت مدیره صنعت می باشد نه قانون مجلس. می گوئیم باشد قابل قبول است پس هر آنچه جهت کارمندان اضافه نموده اید به ما نیز پرداخت نماید، می گویند شما کارگرهستید و ما برای شما نمی توانیم کار انجام دهیم، برای شما بایستی اداره کار تصمیم گیری نماید. می خواهیم از شما سؤال نمایم اگر ما تابع قانون کارهستیم پس هرچه که قانون کار در مورد کارگران به تصویب رسانده است اجرا نماید. به هر طریقی ما خواهان احقاق حقوق از دست رفته خود می باشیم...

اعتراض اولین کارگر نمونه جمهوری اسلامی

حاج یدالله صفایی، اولین کارگر نمونه جمهوری اسلامی، طی نامه ای به سردبیر نشریه «کار و کارگر» (۱۰ آبان ۱۳۷۱)، از رفتار مسئولین شرکت نفت نسبت به خود «گلایه» کرد. وی در نامه خود خطاب به سردبیر این نشریه نوشته است:

«اینجانب... اولین کارگر نمونه جمهوری اسلامی از شرکت ملی نفت ایران که درجهت کوتاه نمودن دست ابرقدرتها... کارخانه تقطیر پالایشگاه سریند را در زیر بمبارانهای وحشیانه صدامیان راه اندازی نمودم، اکنون در بازنشستگی میباشم و شرکت نفت مرا تحت فشار قرار داده است و تلفن مرا قطع نموده اند و برای خود و خانواده ام ایجاد مزاحمت می نمایند... و نمی دانم که با ده نفر عائله که دارم برای سرپناه خود و فرزنداتم بعد از اینهمه خدمت به اسلام کجا بروم و زندگی کنم؟!»

آیا کدام قانون و اسلام حکم می کند که مرا با این همه سابقه حالا در بلاکلینی بگذارند؟ آیا این باعث تشویق بقیه کارگران میشود که با جدیت بیشتر و دلگرمی کار بکنند؟ آیا اگر مهلتی بمن داده شود تا خانه مرا تعاونی تحویل بدهد چه میشود؟... استدعا می شود در این مسئله مرا یاری و مرا کمک کنید تا صدای مظلومیت من به گوش حق گویان برسد....»

پیام نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران به چهاردهمین کنگره حزب کمونیست پرتقال

فروش نفت ایران به آمریکا
به ۳/۵ میلیارد دلار
رسیده است

بعد از سال ها تحریم نفت ایران بدلیل حساسیت های سیاسی، شرکت های عمده نفتی آمریکا اخیراً بزرگترین مشتریان ایران شده اند. طبق نظر سوداگران نفت، مقامات دست اندرکار و مفسران، فروش سالانه نفت خام ایران به این شرکت ها از مرز ۳/۵ میلیارد دلار گذشته است. خریدهای شرکت های آمریکایی حدوداً یک چهارم کل صادرات نفت ایران را تشکیل می دهد و این نشان دهنده تغییری مهم در سیاست تجاری بین المللی برخی از شرکت های عمده نفتی آمریکاست.

این قراردادهای جدید، در کنار نشانه های دیگر، به ایران در کوشش خود برای تخصیص درآمد اضافی از فروش نفت جهت بازسازی وسیع اقتصادی و نظامی و نیز اثبات دوباره ادعای خود به عنوان تلاشی که در خلیج فارس و فراتر از آن باید به حساب آورده شود، کمک می کند.

شرکت های نفتی آمریکا برای اولین بار بعد از انقلاب ۱۳۷۹، مستقیماً نفت خام را از اسکله صادراتی در جزیره خارک تحویل می گیرند به گفته سوداگران نفت در لندن و نیز آمار جمع آوری شده توسط نشریه قبرسی "بررسی اقتصادی خاور میانه" شرکت های نفتی آمریکا رویهمرفته جای ژاپن را به عنوان بزرگترین مشتری نفت ایران گرفته اند.

قراردادهای بین تهران و شرکت های نفتی آمریکا، که اکثراً در سال ۱۹۹۲ منعقد شده اند، طبق قوانین آمریکا مجاز می باشند و این طبق نظر کارشناسان نفتی و مقامات دولتی آمریکا بدین دلیل است که این نفت مستقیماً وارد آمریکا نمی شود.

برخی شرکت های بزرگ نفتی آمریکا اخیراً سیاست خود را در عقد قرارداد با ایران بدلیل تغییرات در بازار نفت، نبودن عراق بعنوان صادر کننده نفت و کوشش های ایران برای بهبود وجهه خود مورد تجدید نظر قرار داده اند.

از طرفی ایران همچنان بتواند یکی از کشورهایی که به تروریسم بین المللی کمک می کند در لیست وزارت خارجه آمریکا قرار دارد. مقامات آمریکا نگرانی خود را در مورد تلاش های ایران جهت کسب سلاح های هسته ای و غیر هسته ای اعلام کرده اند.

ولی مفسران خاطر نشان می کنند که اقداماتی مثل نقضش ایران در آزادی گروگان های غربی در لبنان و بی طرفی در دوران جنگ خلیج فارس، در تغییر سریع برداشت برخی از شرکت های نفتی آمریکا نسبت به ایران کمک کرده است.

(نوامبر ۱۹۹۲ لوس آنجلس تایمز)

رفقای عزیز!

اجازه دهید تا به نمایندگی از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای رفیقانه مان را به شما تقدیم دارم. ما آرزومند موفقیت برای چهاردهمین کنگره و حزب شما در مبارزه برای صلح، پیشرفت و سوسیالیسم هستیم.

کمیونست های پرتقال تاریخی طولانی و پر افتخار از ۷۲ سال مبارزه بیکر برای حقوق زحمتکشان، برای آزادی و در مبارزه علیه استعمار دارند.

با پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۴ حزب کمونیست پرتقال توانست تا از مبارزه مخفی به مبارزه علنی رو آورد و بار دیگر به سازماندهی طبقه کارگر در مبارزه اش علیه دولت سرمایه داری، علیه استثمار، فقر، بیکاری و برای فردایی بهتر و عادلانه بپردازد. مبارزه حزب شما در شرایط کنونی بر علیه دولت دست راستی و سیاست های آن برای سال ۱۹۹۲ در راستای محدود کردن و کاهش بودجه بخش دولتی، و کاهش فوق العاده امکانات و خدمات اجتماعی، بار دیگر نشان داده است که کمیونست های پرتقال مبارزان راستین آرمان های طبقه کارگر هستند.

رفقای عزیز!

جنبش کمونیستی جهان دوران دشواری را پشت سر می گذارد. سقوط بسیاری از کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی و در اتحاد شوروی سابق، اثرات این تحولات، شرایط دشواری را برای جنبش جهانی کمونیستی ایجاد کرده است. رسانه های گروهی سرمایه داری اعلام کردند که سوسیالیسم و در کنار آن جنبش جهانی کمونیستی پایان یافته است. آنها پیش بینی کردند که با پایان "حیات" حزب کمونیست اتحاد شوروی، سایر احزاب کمونیستی جهان نیز ناپدید خواهند شد. تحولاتی که بدنیاال این رویدادها رخ داد بروشنی غیرعلمی بودن و بچه گانه بودن چنین پیش بینی ها را در معرض دید همگان قرار داد. به گمان ما وظیفه تاریخی جنبش کارگری تغییر نکرده است و حرکت تاریخ به سمت تکامل، به سمت ایجاد فراماسیون های برتر اجتماعی - اقتصادی همچنان ادامه می یابد. سومین کنگره حزب ما که در فوریه ۱۹۹۲ برگزار گردید، نیز تأکید کرد که در حالیکه می بایستی از اشتباهات و کمبودهای گذشته فراقرفت، اصول اساسی و راهنمای جنبش، ماهیت علمی ایدئولوژی ما، مارکسیسم - لنینیسم، و باور ما به ماتریالیسم تاریخی همچنان حقایق و درستی خود را حفظ کرده اند. تحولات اخیر، بازسازی احزاب کمونیستی، و پیروزی های بدست آمده توسط کمونیست ها و نیروهای چپ در کشورهای مختلف، از جمهوری های سابق اتحاد شوروی تا آفریقای جنوبی، گویان، آنکولا و ... فاکت های عینی هستند که بر باور و خوشبینی تاریخی ما صحنه می گذارند.

رفقا!

حزب کمونیست پرتقال و حزب توده ایران، از روابط بسیار طولانی نزدیک، رفیقانه و رزمجویانه برخوردار هستند که برای ما اهمیت بسیاری دارد. ما امیدواریم که بتوانیم این روابط را بازمه بیشتر در آینده بسط و گسترش داده و در زمینه های مختلف، از جمله بسیاری از مسایل بنیادین کنونی باهم مشورت و اشتراک مساعی کنیم.

حزب ما نیز دوران دشواری را پشت سر گذاشته است. فوریه ۱۹۹۲ مصادف با چهاردهمین سالگرد انقلاب مردمی بهمن ۵۷ و دهمین سالگرد حمله وحشیانه رژیم اسلامی علیه حزب ماست. حمله به حزب ما به روشنی خیانت آشکار رهبران جمهوری اسلامی به آرمان های مردمی انقلاب را به اثبات رساند. هزاران تن از رفقای ما شامل تقریباً بخش عمده رهبری و کمیته مرکزی حزب ما دستگیر و روانه شکنجه گاه گردیدند. هدف حمله از همان ابتدا مشخص بود، نابودی حزب توده ایران و شکست جنبش انقلابی مردم کشور ما. ولی علی رغم خشونت بی سابقه این یورش و علی رغم اینکه رژیم در سال ۱۹۸۸ هزاران زندانی سیاسی از جمله ۲۸ تن از اعضای کمیته مرکزی حزب ما را به جوخه های اعدام سپرد، حزب ما همچنان زنده است و به مبارزه خود ادامه می دهد.

ارتجاعیون در سراسر جهان همواره دانشجویان بی استعدادی در فراگیری درس های تاریخ هستند. حزب ما در طول بیش از ۵۱ سال مبارزه، دو بار تاکنون غیر قانونی شده است، و به مردم ایران بارها گفته شده است که حزب توده ایران نابود شده است ولی حزب ما همچنان به مبارزه خود در درون و بیرون کشور علیه نظام دیکتاتوری، برای دموکراسی و عدالت اجتماعی ادامه می دهد.

در این سال های دشوار و طولانی حزب ما همواره از حمایت و همبستگی بی دریغ جنبش های مترقی در جهان و خصوصاً جنبش جهانی کمونیستی برخوردار بوده است. ما از این همبستگی گرم و رفیقانه صمیمانه سپاسگزاریم. ما اطمینان داریم که این همبستگی رزمجویانه تا روزی که مردم ما بتوانند خود را از یوغ و زنجیر استبداد و ارتجاع رها سازند، ادامه خواهد یافت.

رفقای عزیز!

اجازه دهید تا بار دیگر گرم ترین درودهای رفیقانه و رزمجویانه کمیته مرکزی حزب توده ایران را به شما ابلاغ کرده و برای شما در مبارزه انقلابی تان آرزوی موفقیت بکنم.

پاینده باد روابط برادرانه بین حزب توده ایران و حزب کمونیست پرتقال!
زنده باد همبستگی بین المللی!

"شایسته است کار را تمام شده بدانیم؟"

اخیرا در محافل سیاست شناسان روسی مد شده است که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را تقریبا به مثابه حکم محکومیت کل سمت گیری تکامل اجتماعی سوسیالیستی وانمود کنند و در کنار این حکم، نقش مناسبات بین سیستم ها را، بمثابة عامل سیاست جهانی، به صفر برسانند.

در نتیجه، واقعات بین المللی و پارامترهای موجود تناسب جدید نیروهای سیاسی اجتماعی در جهان، بشکلی تحریف شده ارایه می شود. صرف نظر از این که آیا این امر آگاهانه یا در نتیجه اشتباه انجام گیرد این گونه تحریفات تحت تاثیر نظریه "شورا مرکزی"، نسبت به پروسه های بین المللی، موجب گمراهی، سلب زمینه های روحی و در عین حال موجب آشفته فکری آن دسته از محافل سیاسی جهان می گردد که راه پیشرفت را بر زمینه عدالت اجتماعی و نظم دموکراتیک بین المللی، نجات بشریت از نابودی و تامین شرایط شایسته زندگی برای مردم، جستجو می کنند.

مقاله کولیک تحت عنوان "بیر قفس را ترک می کند" در شماره سوم سپتامبر سال جاری روزنامه "پراودا"، در این رابطه جلب توجه می کند. این مقاله، آثار و عواقب فروپاشی ابرقدرت شوروی را برای "سبک رفتار" غرب در مناسبات بین المللی بیان می کند. مقاله مزبور جهان را از لحاظ اجتماعی یک دست و دارای سیستم واحدی می بیند. بنظر مولف "ادامه مواضع سوسیالیستی در برخی از کشورها، از جمله چین بزرگ و کثیرالمله، در ماهیت امر تغییری ایجاد نمی کند" ظاهرا کولیک، با چنین نتیجه گیری عجیب، نیت خیری را دنبال می کرده است تا کشورها و خلق ها را متوجه شدت یافتن فرماندهی غرب در مقیاس جهانی بنماید. نتیجتا، نویسنده مقاله با کسانی هم آواز می شود که در تراژدی سوسیالیسم در اتحاد شوروی یا کشورهای اروپای شرقی، ناگزیری حرکت تمدن جهانی را انحصارا در مسیر مدل های سرمایه داری، که گویا یگانه معادل و موافق "طبیعت انسان" می باشد، می بیند.

اما، چنانچه سرنوشت سوسیالیسم را هم ارز و معادل سرنوشت بخش اروپایی سیستم های کشورهای سوسیالیستی و خود میهن اکبر بدانیم، باید گفت خیلی زود است که سمتگیری پیشرفت را، پایان یافته تلقی کنیم.

زیرا، اولاً، این سمتگیری خود مولود سرمایه در مرحله معین رشد آن می باشد. ثانیاً، سرمایه داری معاصر، بنا به اعتراف شریف ترین طرفدارانش، توان حل رضایت بخش معضلات جامعه بشری را، که روبه تشدید است، ندارد و در نتیجه جستجوی آلترناتیو اجتماعی سیاسی را ناگزیر می سازد، ثالثاً، تحقق انتخاب سوسیالیستی یک روند خلاق تاریخی است که مراحل فراز و نشیب و حتی بحران های فاجعه انگیزی، مانند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، برای آن طبیعی است. اگر سرمایه داری در نیمه اول قرن بیستم، فاجعه مشابهی را از سر گذرانید و با وجود این توانست نفس تازه کند، به چه دلیل همین واقعه نمی تواند برای سوسیالیسم پیش آید؟

فروپاشی مدل های شوروی و "طرفدار شوروی" در اروپای شرقی نمی تواند دلیل آن باشد که جهان یک قطبی اعلام گردد.

البته سیستم سوسیالیستی دچار تغییرات عظیمی شده است؛ پارامترهای کمی و کیفی آن و نقش آن در امور جهانی بشدت کاهش یافته و در نتیجه تناسب نیرو در مقیاس جهانی بضع سرمایه داری تغییر یافته است.

ولی، این همه، به معنای نابودی دو قطبی بودن اجتماعی جهان نمی تواند باشد، زیرا چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی موجودند.

بنظر می رسد که هنوز کسی نمی تواند این واقعت را نفی کند که در سال ۱۹۱۷ جهان از لحاظ اجتماعی دو قطبی شد و روسیه ضعیف و ورشکسته از جنگ بیرون آمده، به قطب نوین اجتماعی بدل گردید، و توانست به تنهایی این حالت را طی سه دهه حفظ کند.

در گردش کنونی تکامل تاریخی، نقش دژ عمده سوسیالیستی بعده چین واگذار شده است. پس چرا و به چه علت توان و استعداد آن را برای ایفا این نقش، باید رد کرد؟

چین قبل از هر چیز شرایط اصولا دیگری، برای حل این وظایف، در اختیار دارد. ایفای نقش قطب اجتماعی در پنجمین دهه حرکت چین در مسیر سوسیالیسم، به عهده این کشور قرار می گیرد. این کشور تجربه خود را در پیمودن این راه و تجربه سایر کشورهای سوسیالیستی را در این زمینه، کاملا "هضم" کرده است. در آن جا طریق تلفیق ارگانیک مصالح ملی-میهنی و طبقاتی پیدا شده است. در این میان، اولویت به بخش نخستین این مصالح

داده می شود.

اینک، هنگامی که نشانه های بحران اجتماعی غرب را نگران کرده است، جمهوری خلق چین سرعت شکفت رشد اقتصادی را از خود نشان می دهد. بنا برآمار سازمان ملل متحد، چین در سال ۱۹۸۰ از لحاظ رشد تولید ناخالص داخلی از اتحاد شوروی پیشی گرفت، در سال ۱۹۸۷ از این لحاظ به ایالات متحده آمریکا کاملا نزدیک شد و اینک از آن پیشی گرفته است. وضع بین المللی چین نسبت به وضع اتحاد شوروی در سال های ۲۰-۱۹۲۰ قابل مقایسه نیست.

جمهوری خلق چین از طرف اکثریت کشورها به رسمیت شناخته شده است؛ عضو دائمی سازمان ملل متحد است؛ عضو تقریبا تمام سازمان های بین المللی است که به شرکت در آن ها علاقمند است. این کشور را نمی توان محاصره اقتصادی کرد، آن گونه که روسیه سوسیالیستی را محاصره کرده بودند. دیپلماسی چین که بر اصول عام دموکراتیک مناسبات بین المللی استوار است بطور موثر عمل می کند؛ در شرایط بغرنج، ضمن رعایت مواضع مستقل سیاست خارجی کشور، چاره جوئی و راه گشایی می کند.

بنظر می رسد که جمهوری خلق چین طی سرتاسر تاریخش آماده شده است که نه تنها نقش یکی از مراکز قدرت جهانی را ایفا کند؛ بلکه نقش قطب سوسیالیستی آن را بعهد بگیرد.

ضمنا پراگماتیسم سیاسی که چین بنمایش گذاشت، امکان این امیدواری را می دهد که در آینده مناسبات بین سیستم ها، حداقل بنا به اراده این کشور، به منبع اصلی منازعات جهانی و منطقه ای بین کشورها، تبدیل نشود.

در آینده قابل بررسی، چنین خطری تنها نمی تواند از غرب سرچشمه گیرد، که نیروهای ذینفوذ آن در شرایط ضعف کنونی سیستم سوسیالیستی، شانس تاریخی نابودی کامل این سیستم را در سر می پروراندند.

با این همه، "تعطیل" سمت رشد اجتماعی سوسیالیستی و تبدیل جهان به سیستم یک قطبی اجتماعی، کاملا نادرست است، علاوه بر آن این احتمال که از درون هرج و مرج کنونی، در سرزمین اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی، سمت گیری سوسیالیستی بتواند، بشکلی تازه و بیش از پیش ارگانیک، در تکامل تمدن بشری وارد شود، بهیچوجه منتفی نیست.

به نقل از: "پراودا"

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

کمک مالی رسیده:

دنیا ۱۰۰ مارک

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 1000 Berlin 10, Germany

NO : 392

January 5 , 1993

نامه
مردم